

رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی و سن با احساس گناه جنسی در زنان دانشجوی

نگار تیمورپور^۱ - نهاله مشتاق بیدختی^۲ - عباس پورشهباز^۳

چکیده

زمینه و هدف: در زمینه احساس گناه جنسی و عوامل مؤثر بر آن کمبود قابل توجهی در ادبیات پژوهش به چشم می‌خورد. هدف از پژوهش حاضر تعیین رابطه بین سبک‌های دلبستگی و سن با احساس گناه جنسی در زنان بود.

روش تحقیق: چارچوب طرح همبستگی می‌باشد. آزمودنی‌ها ۱۹۲ دانشجوی زن متأهل در رده سنی ۱۸-۴۰ ساله در سه دانشگاه شهر تهران بودند که با تکمیل مقیاس دلبستگی و مقیاس احساس گناه جنسی موشر در این پژوهش شرکت کردند. روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای چند مرحله‌ای بود و جهت تحلیل داده‌های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که بین احساس گناه جنسی و سبک دلبستگی ایمن ($r = -0/265$)، سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا ($r = 0/241$)، اجتنابی ($r = 0/257$)، سن ($r = 0/438$)، و مدت زمان ازدواج ($r = 0/345$) رابطه معناداری ($p < 0/01$) وجود دارد. سن، سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا و اجتنابی قادر به پیش‌بینی ۲۵/۱ درصد واریانس احساس گناه جنسی بودند ($p < 0/001$).

نتیجه‌گیری: زنانی که سبک دلبستگی ایمن تری دارند، احساس گناه کمتر و زنانی که سبک دلبستگی ناایمن دارند، احساس گناه بیشتری را گزارش می‌نمایند. هم‌چنین با افزایش سن و مدت زمان ازدواج افراد، احساس گناه جنسی نیز افزایش پیدا می‌کند.

کلیدواژه: احساس گناه جنسی؛ زنان؛ سبک‌های دلبستگی؛ سن

افق دانش؛ فصلنامه‌ی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گناباد (دوره‌ی ۱۷؛ شماره‌ی ۴؛ زمستان ۱۳۹۰)

پذیرش: ۱۳۹۰/۳/۱۱

اصلاح نهایی: ۱۳۹۰/۱/۲۷

دریافت: ۱۳۸۹/۹/۴

۱- نویسنده‌ی مسؤؤل؛ دانشجوی دکترای روانشناسی سلامت، دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران

آدرس: تهران - زیر پل بزرگراه جلال آل احمد - صندوق پستی: ۶۴۵۶-۱۴۱۵۵

تلفن: ۰۲۱-۶۱۱۱۷۸۴۳ نمایر: ۰۲۱-۶۱۱۱۷۸۴۳ پست الکترونیکی: n.teimourpour@gmail.com

۲- استادیار، دکترای تخصصی روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران

۳- استادیار، دکترای تخصصی روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران

مقدمه

احساس گناه مربوط به نیازها و رفتارهای جنسی، جنبه های مختلف زندگی شخص، روابط بین شخصی و در راس آنها روابط زوجین را تحت تاثیر قرار می دهد. افرادی که احساس گناه می کنند نگران این هستند که قوانین اخلاقی خود را زیر پا بگذارند و وقتی درگیر یک رفتار جنسی می شوند، احساس بدی پیدا می کنند. بازخورد افراد در مورد مسائل جنسی، از جمله احساس گناه جنسی، یکی از دلایل شایع عدم رضایت جنسی و شکل گیری مشکلات جنسی در آنهاست. وجود چنین بازخوردهایی منجر به مشکلاتی مانند زود انزالی و ناتوانی جنسی در مردها و کم میلی جنسی و ناتوانی در تجربه ارگاسم در زنان می شود. احساس گناه در مورد مسایل جنسی در چارچوب زندگی مشترک، بازداری و سرکوب احساسات جنسی را نیز در پی دارد و باعث می شود افراد به شیوه ای اجتنابی با مسایل جنسی برخورد کنند. سبک اجتنابی این افراد، فرصت های معمول آموزش مسایل جنسی را از آنها در مراحل مختلف زندگی سلب می کند (۱). از آنجایی که احساس گناه جنسی دارای مولفه های هیجانی و شخصیتی می باشد، نه تنها مؤثر بر ادراک فرد از رفتار جنسی است بلکه می تواند مانع یا راه انداز ایجاد یک رفتار جنسی معین شود. بنابراین احساس گناه بر ادامه رفتار جنسی نیز تأثیر می گذارد. احساس گناه بیشتر منجر به کاهش احتمال تکرار رفتار برانگیزنده احساس گناه می شود و ممکن است تأثیر زیان آوری بر رضایت و عملکرد جنسی آتی بگذارد (۲). پژوهش ها نشان داده اند که احساس گناهی که همراه تعارض و تجارب جنسی منفی قبل از ازدواج است، به احتمال زیاد نتایج بادوامی بر رضایت از رابطه در ازدواج بعدی خواهد داشت (۳). هم چنین پژوهش ها نشان داده اند که ناراحتی^۱ درباره موضوعات جنسی و عدم رضایت جنسی (فیزیولوژیک و روانشناختی) با احساس گناه بالا در زمان اولین مقاربت جنسی، احساس گناه بالا در زمان حال و آینده و افزایش احتمال ابتلا به کژکاری های جنسی^۲ همبسته

است (۲). پژوهش های متعددی در حیطه ارتباط بین احساس گناه جنسی و مشکلات جنسی انجام شده است. برای مثال سادوک معتقد است که احساس گناه و معیارهای اخلاقی بر اختلالات جنسی به خصوص اختلالات کم میلی جنسی، برانگیختگی و آنورگاسمی^۳ تأثیر گذار هستند (۴). مهرابی و دادفر نیز در بررسی خود، احساس گناه درباره مسائل جنسی را به عنوان یکی از عوامل تأثیر گذار بر اختلالات عملکرد جنسی دانسته اند (۵). در پژوهشی دیگر نشان داده شد که احساس گناه جنسی با میل جنسی رابطه معکوس معناداری دارد (۶). دیواستو و همکاران در مطالعه ای بر روی مردان ۲۷-۷۳ ساله به بررسی رابطه احساس گناه جنسی و رفتار جنسی پرداختند. نتایج نشان داد که یک رابطه معکوس بین احساس گناه جنسی و رفتار جنسی وجود دارد. همچنین بین رفتار جنسی و سن افراد نیز ارتباطی معکوس وجود داشت. بین سن و احساس گناه جنسی رابطه مثبت وجود داشت. زمانی که سن افراد ثابت نگه داشته می شد، بین احساس گناه جنسی و رفتار جنسی، رابطه معکوس قوی مشاهده شد (۷). از طرفی زنان بیشتر از مردان احساس گناه جنسی می کنند. بنت- مک کوید و بورسیک در مطالعه ای تفاوت بین زنان و مردان را در احساس شرم و گناه مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که زنان آمادگی^۴ بیشتری برای احساس گناه و شرم دارند اما مردان خصیصه^۵ گناه را بیشتر از زنان گزارش کردند (۸). این یافته در پژوهش های متعدد مورد تأیید قرار گرفته است (۸، ۱۰). عوامل متعددی بر شکل گیری و تداوم احساس گناه جنسی در افراد تأثیر می گذارند، اما در این حیطه از پژوهش کمبود قابل توجهی به چشم می خورد. یکی از عوامل تأثیر گذار بر احساس گناه جنسی، سبک های دلبستگی می باشد. دلبستگی یکی از مفاهیم تحولی بسیار مهم در جریان رشد انسان می باشد. اولین بار بولبی^۶ این موضوع را برای تبیین ارتباط بین کودک و مراقبان اصلی مطرح نمود (۱۱). بعد از

3- Anorgasmia

4- Pronness

5- Trait

6- Bowlby

1- Discomfort

2- Sexual Dysfunction

وی آینزورث سه سبک دلبستگی^۱ کلی را معرفی کرد: ۱. سبک دلبستگی ایمن ۲. سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی ۳. سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا (۱۲). بعد ها هازان و شاور از نظریه سبک‌های دلبستگی برای توجیه و تبیین روابط اجتماعی، عاشقانه و جنسی در دوران نوجوانی و بزرگسالی استفاده کردند. از نظر آن‌ها سبک‌های دلبستگی، بازنمایی ذهنی از خود و دیگران را انعکاس می‌دهند و منجر به جهت‌گیری‌های مختلف در ارتباطات نزدیک می‌شوند و به عنوان ابعاد شخصیتی ثابت در نظر گرفته می‌شوند، که نه تنها در کودکی بلکه در بزرگسالی هم نقشی بسیار اساسی در برقراری ارتباط با دیگران دارند (۱۳). احساس گناه و شرم از هیجانات منفی اولیه‌ای هستند که از روابط اولیه در دوران کودکی و سبک‌های دلبستگی تأثیرات بسیاری می‌پذیرند (۱۴). لویز و همکاران نیز معتقدند که دو عاطفه که سبک‌های دلبستگی بر آن‌ها تأثیری به سزا می‌گذارند، احساس شرم و گناه می‌باشد. آنها در پژوهشی به بررسی ارتباط بین سبک‌های مختلف دلبستگی، شرم و احساس گناه پرداختند. پژوهش آن‌ها نشان داد بین احساس گناه و سبک دلبستگی ایمن رابطه معکوس معناداری وجود دارد. همچنین یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد که زنان در مقایسه با مردان آمادگی بیشتری برای احساس گناه دارند. از طرفی دیگر بین احساس شرم و سبک دلبستگی مضطرب (دوسوگرا) نیز رابطه مستقیم معناداری مشاهده شد (۱۵). هایدون و شیلکرت نیز در پژوهشی به بررسی ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و احساس گناه زنان دانشجو پرداختند و به این نتیجه رسیدند که افراد دارای سبک دلبستگی ایمن، احساس گناه پایین‌تر و افراد دارای سبک دلبستگی دوسوگرا و اجتنابی سطوح بالاتری از احساس گناه را گزارش می‌نمایند (۱۶).

سبک‌های دلبستگی و احساس گناه جنسی پرداخته می‌شود. یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر احساس گناه جنسی سن افراد می‌باشد. دیواستو، پاتاک و فیشبورن نیز در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که بین سن افراد و احساس گناه جنسی رابطه‌ای مثبت وجود دارد (۷). احساس گناه تبعات منفی بسیار زیادی بر جنبه‌های مختلف زندگی به‌خصوص روابط جنسی و رضایتمندی زناشویی افراد دارد (۲) و در این زمینه نیز کمبود قابل توجهی در ادبیات پژوهش به چشم می‌خورد. به همین دلیل هدف از این پژوهش، بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی، سن و احساس گناه جنسی می‌باشد.

روش تحقیق

مطالعه حاضر در چارچوب طرح همبستگی بود. نمونه پژوهش، زنان متأهل دانشجو در دانشگاه‌های علوم بهزیستی و توانبخشی، تربیت مدرس و آزاد تهران شمال، در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا در سال تحصیلی ۸۸-۸۹ که در رده سنی ۴۰-۱۸ ساله قرار دارند، بودند که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. بدین ترتیب که از میان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران، به صورت تصادفی، دانشگاه علوم بهزیستی و تربیت مدرس و از میان واحدهای مختلف دانشگاه آزاد تهران نیز، به طور تصادفی، دانشگاه آزاد واحد تهران شمال انتخاب شدند. سپس از بین دانشکده‌های دانشگاه تربیت مدرس، سه دانشکده علوم پایه، علوم انسانی و مهندسی و از بین گروه‌های آموزشی دانشگاه علوم بهزیستی، سه گروه ژنتیک، ارتوپدی فنی و گفتار درمانی و از بین دانشکده‌های دانشگاه آزاد تهران شمال، دانشکده مدیریت و حسابداری به صورت تصادفی، انتخاب شدند.

ملاک‌های ورود پژوهش عبارت بودند از: زن بودن، متأهل بودن، دانشجو بودن، دارا بودن حداقل ۱۸ سال و حداکثر ۴۰ سال سن و ملاک‌های خروج شامل موارد زیر بودند: بارداری، یائسگی، ابتلا به بیماری خاصی مانند دیابت، تیروئید، امراض قلبی عروقی، انواع سرطان و بیماری‌های دستگاه اعصاب مرکزی مانند MS، ابتلا به اختلالات محور

تأثیر سبک‌های مختلف دلبستگی بر اختلالات روانی گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است، از جمله افسردگی (۱۷) درد مزمن (۱۸) و غیره. اما در زمینه رفتار و مسائل جنسی کمبود قابل توجهی در ادبیات پژوهش به چشم می‌خورد. به همین دلیل در این پژوهش به بررسی رابطه بین

تمامی این مراحل توسط نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ انجام شد.

پرسشنامه اطلاعات فردی توسط محقق طراحی شده و در اولین صفحه قرار گرفت. این پرسشنامه ملاک های ورود و خروج از جمله سن، جنس، وضعیت تاهل، مدت زمان ازدواج، میزان تحصیلات، دانشگاه محل تحصیل، وضعیت بارداری، بیماری خاص، مصرف دارویی خاص یا الکل و مواد مخدر و اختلالات محور یک و دو را مورد پرسش قرار می داد. مقیاس دلبستگی بزرگسالان با استفاده از مواد آزمون دلبستگی هازان و شیور توسط بشارت ساخته شده است. پرسشنامه سبک دلبستگی از ۲ بخش دلبستگی عمومی و اختصاصی تشکیل شده و سبک دلبستگی را در سه سطح ایمن، نایمن اجتنابی و نایمن دوسوگرا ارزیابی می کند. در بخش اول ۲۱ عبارت وجود دارد که در مقیاس لیکرت از عدد ۱ به معنای هیچ و عدد ۵ به معنای خیلی زیاد نمره گذاری شده است. ضریب آلفای کرونباخ پرسشهای هر یک از خرده مقیاس های ایمن، نایمن اجتنابی و نایمن دوسوگرا در مورد یک نمونه دانشجویی ($n=240$) برای کل آزمودنی ها به ترتیب ۰/۷۲، ۰/۷۴، ۰/۷۰، بدست آمد. ضریب پایایی بازآزمایی^۳ پرسشنامه بر روی یک نمونه ۳۰ نفری با فاصله دو هفته برای کل آزمودنی ها ۰/۹۲ بود. اعتبار محتوایی^۴ مقیاس با سنجش ضرایب همبستگی بین نمره های ۴ نفر از متخصصین روانشناسی مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس نتایج به دست آمده ضرایب همبستگی از ۰/۷۳ تا ۰/۷۶ برای سبک دلبستگی ایمن، از ۰/۶۰ تا ۰/۷۶ برای سبک دلبستگی نایمن اجتنابی و ۰/۶۳ تا ۰/۸۷ برای سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا محاسبه شد که در همه سطوح آلفای ۰/۰۵ و ۰/۰۱ معنی دار هستند (۲۰). در این پژوهش نیز ضرایب آلفای کرونباخ معناداری برای تمام سبک های دلبستگی به دست آمد. مقیاس تجدید نظر شده احساس گناه جنسی موشر^۵ یک آزمون ۵۰ سوالی است که به وسیله موشر برای سنجش احساس گناه در مورد مسایل جنسی ساخته شده است.

یک مانند اختلالات خلقی و اضطرابی، اختلالات محور دو، استفاده از دارویی خاص (مانند داروهای روانگردان)، مصرف الکل و مواد مخدر، دانشجوی روانشناسی یا مشاوره بودن (به دلیل آشنایی با متغیر های پژوهش)، و آرایه اطلاعات ناقص و نامعتبر. حجم مطالعه نمونه حاضر با توجه به مطالعات مشابه که در زمینه مسایل جنسی انجام شده است و استفاده از جدول حجم نمونه که بر اساس سطح اطمینان ۹۹ درصد تدوین گردیده است، ۲۰۰ نفر برآورد شد (۱۹). در آخر با کنار گذاشتن پرسشنامه های مخدوش تعداد ۱۹۲ آزمودنی وارد پژوهش شدند. تعدادی از پرسشنامه ها ۲ عدد به دلیل پر کردن ناقص پرسشنامه ها، ۳ پرسشنامه به دلیل پاسخگویی نامعتبر (بدین معنی که در پرسشنامه ها برای تمام سوالات، گزینه ای یکسان را انتخاب کرده بودند) و ۳ پرسشنامه به دلیل اینکه دانشجوی مشاوره و روانشناسی بودند، از پژوهش خارج شدند. جهت رعایت نکات اخلاقی این موارد در نظر گرفته شد: کلیه پاسخ دهنده ها به صورت کتبی اطلاعاتی در مورد پژوهش دریافت کرده و در صورت تمایل در پژوهش مشارکت کردند. این اطمینان به آزمودنی ها داده شد که تمام اطلاعات محرمانه هستند و برای امور پژوهشی مورد استفاده قرار خواهند گرفت. به منظور رعایت حریم خصوصی نام و نام خانوادگی شرکت کنندگان ثبت نشد.

جهت تجزیه و تحلیل داده ها از روش های آماری، آمار توصیفی جهت محاسبه فراوانی، میانگین، انحراف استاندارد و دامنه نمرات و ویژگی های دموگرافیک آزمودنی ها و آمار استنباطی: آزمون همبستگی پیرسون: جهت تعیین مقدار و جهت رابطه مین متغیر های سبک دلبستگی، سن و مدت زمان ازدواج با احساس گناه جنسی. تحلیل رگرسیون گام به گام: جهت تعیین نقش هر یک از متغیرهای پیش بین در تبیین واریانس متغیر ملاک. تحلیل واریانس یک طرفه^۱ و بررسی تعقیبی به روش توکی^۲: جهت بررسی تفاوت میانگین احساس گناه جنسی در سه سبک مختلف دلبستگی نیز مورد استفاده قرار گرفت.

3- Test-Retest Reliability

4- Content Validity

5- Revised Mosher Guilt Inventory (RMGI)

1- One Way ANOVA

2- Post Hoc (Tuki)

در دانشگاه علوم بهزیستی، ۶۷ نفر در دانشگاه تربیت مدرس و ۴۳ نفر در دانشگاه آزاد اسلامی مشغول به تحصیل بودند نتایج نشان داد که بین احساس گناه جنسی و سبک دلبستگی ایمن ($F=0/265$)، سبک دلبستگی دوسوگرا ($F=0/241$)، سبک دلبستگی اجتنابی، سن ($F=0/438$) و مدت زمان ازدواج ($F=0/345$) رابطه معنی داری ($p<0/01$) وجود دارد. همچنین برای بررسی تفاوت میانگین نمرات احساس گناه جنسی افراد دارای سبک های دلبستگی مختلف، از تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شد. نتایج بدست آمده نشان داد که بین میانگین نمرات احساس گناه جنسی سبک های مختلف دلبستگی به طور معنادار تفاوت وجود دارد ($F=14/53, p<0/001$).

جدول ۱: اطلاعات توصیفی شاخص ها

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	دامنه نمرات
۱. احساس گناه جنسی	۱۶۳	۵۷	۲۴-۲۷۰
۲. دلبستگی ایمن	۲۱	۵	۶-۳۱
۳. دلبستگی دوسوگرا	۱۵	۵	۶-۳۱
۴. دلبستگی اجتنابی	۱۴	۵	۷-۳۱
۵. سن	۱۶	۴	۱۸-۴۰
۶. مدت زمان ازدواج	۴۱	۳۶	۲-۱۵۰

هم چنین بررسی تعقیبی تفاوت میانگین احساس گناه جنسی در سبک های مختلف دلبستگی به روش توکی حاکی از تفاوت معنی دار احساس گناه جنسی در گروه دوسوگرا و اجتنابی در مقایسه با گروه ایمن است. به بیان دیگر افراد دارای سبک دلبستگی دوسوگرا و اجتنابی در مقایسه با افراد دارای سبک دلبستگی ایمن، احساس گناه جنسی بالاتری دارند. این یافته در جدول ۳ مشاهده می شود. ماتریسی از هم بستگی میان تمام متغیر های پژوهش در جدول ۲ مشاهده می شود. جهت تبیین نقش متغیر های مستقل پژوهش (سبک های دلبستگی ایمن، دوسوگرا، اجتنابی و سن) در تبیین احساس گناه از روش معادله رگرسیون (روش گام به گام) شد،

سوال های آزمون در اندازه های هفت درجه ای لیکرت از صفر تا شش، نمره احساس گناه جنسی فرد را در دامنه ای از صفر تا ۳۰۰ می سنجد. ویژگی های روانسنجی مقیاس تجدید نظر شده احساس گناه موشر در پژوهش های خارجی مورد تایید قرار گرفته است. ویژگی های روانسنجی نسخه فارسی مقیاس تجدید نظر شده احساس گناه موشر در چندین پژوهش بررسی و تایید شده است. بر حسب یافته های مقدماتی، ضرایب آلفای کرونباخ پرسش های مقیاس تجدید نظر شده احساس گناه موشر در مورد یک نمونه ۹۱۷ نفری از دانشجویان ۰/۸۷ محاسبه شد که نشانه همسانی درونی خوب مقیاس است. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده در این پژوهش نیز ۰/۸۵ بود. ضرایب همبستگی بین نمره های ۲۲۵ نفر از نمونه مذکور در دو نوبت با فاصله چهار تا شش هفته $r=0/77$ به دست آمد و در سطح $p=0/001$ معنادار بود که نشانه پایایی بازآزمایی رضایت بخش نسخه فارسی مقیاس تجدید نظر شده احساس گناه موشر است. روایی محتوایی نسخه فارسی مقیاس تجدید نظر شده احساس گناه موشر بر اساس داوری ۷ نفر از متخصصان روانشناسی بررسی و ضریب توافق کندال ۰/۸۲ برای آن محاسبه شد. روایی همگرا^۱ و تشخیصی (افتراقی)^۲ نسخه فارسی مقیاس تجدید نظر شده احساس گناه موشر از طریق اجرای همزمان مقیاس دانش و نگرش جنسی^۳ و مقیاس سلامت روانی^۴ در مورد آزمودنی ها محاسبه شد و مورد تایید قرار گرفت (۲۱).

یافته ها

اطلاعات توصیفی شاخص های به کار رفته در پژوهش، سن و مدت زمان ازدواج آزمودنی ها در جدول ۱ مشاهده می شود. هم چنین ۶۷ نفر از آزمودنی ها در مقطع کارشناسی، ۱۰۲ نفر در مقطع کارشناسی ارشد و ۲۳ نفر در مقطع دکتری مشغول به تحصیل بودند. ۸۲ نفر از آزمودنی ها

- 3- Convergent
- 4- Discriminant
- 5- Sexual Knowledge and Attitude Test
- 6- Mental Health Inventory

که نتایج آن در جدول ۴ مشاهده می شود. همانطور که در دوسوگرا و اجتنابی قادر به پیش بینی ۲۵/۱ درصد از واریانس جدول مشاهده می شود در مجموع سن، سبک دلبستگی ناایمن احساس گناه جنسی می باشند.

جدول ۲: ماتریس همبستگی میان متغیر های پژوهش

	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱. احساس گناه جنسی	۱					
۲. دلبستگی ایمن	-.۲۶۵**	۱				
۳. دلبستگی دوسوگرا	.۲۴۱**	-.۲۹**	۱			
۴. دلبستگی اجتنابی	.۲۵۷**	-.۷۸**	.۱	۱		
۵. سن	.۴۳۸**	-.۲۵۸**	.۰۱	.۲۵**	۱	
۶. مدت زمان ازدواج	.۳۴۵**	-.۲**	.۰۴	.۰۲**	.۷۲۵**	۱

**P<0/01

جدول ۳: تحلیل واریانس یک طرفه نمرات احساس گناه جنسی افراد دارای سبک های مختلف دلبستگی

P	F	انحراف معیار	میانگین	تعداد	
		۴/۶	۱۴۸	۱۲۳	ایمن
.۰۰۰۰۱	۱۴/۵۶۷	۷/۴	۱۹۷/۲	۳۶	دوسوگرا
		۱۱/۷	۱۸۲/۶	۳۳	اجتنابی

جدول ۴: خلاصه مدل رگرسیون گام به گام برای پیش بینی واریانس احساس گناه جنسی با وارد کردن سبک های دلبستگی و سن در معادله

مقدار p	t	β	F change	Adjusted R ²	مدل
.۰۰۱	۶/۷	-.۴۳۸	۴۵/۱۷	.۱۸۸ ^a	۱
.۰۰۱	۶/۸	-.۴۳۴	۳۰/۹	.۲۳۹ ^b	۲
.۰۰۱	۳/۷	-.۲۳۴			
.۰۰۱	۶/۲	-.۴۰۲	۲۲/۳	.۲۵۱ ^c	۳
	۳/۴	-.۲۱۹			
	۲	-.۱۳۱			

a. پیش بینی کننده ها: (مقدار ثابت)، سن

b. پیش بینی کننده ها: (مقدار ثابت)، سن، سبک دلبستگی دوسوگرا

c. پیش بینی کننده ها: (مقدار ثابت)، سن، سبک دلبستگی دوسوگرا، سبک دلبستگی اجتنابی

بحث

بین سبک دلبستگی ایمن و احساس گناه جنسی رابطه معکوس معناداری مشاهده شد. بدین معنا که هر چقدر سبک دلبستگی افراد ایمن تر باشد، احساس گناه جنسی کاهش می‌یابد. علاوه بر این بین احساس گناه جنسی و سبک‌های دلبستگی ناایمن اجتنابی و دوسوگرا نیز رابطه مستقیم معناداری مشاهده شد. بدین معنا که هر چقدر سبک دلبستگی افراد اجتنابی تر یا دوسوگرا تر باشد، احساس گناه جنسی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. این یافته هم‌گام با پژوهش لویز و همکاران می‌باشد. آن‌ها هم در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که افرادی که سبک دلبستگی ایمن دارند، احساس گناه جنسی پایین‌تری را گزارش می‌کنند و بین سبک دلبستگی مضطرب (دوسوگرا) و احساس شرم رابطه مستقیم معناداری وجود دارد (۱۵). هایدون و شیلکرت نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که افراد دارای سبک دلبستگی ایمن، احساس گناه پایین‌تر و افراد دارای سبک دلبستگی دوسوگرا و اجتنابی سطوح بالاتری از احساس گناه را گزارش می‌نمایند. لیری و هچنلیکنر نیز معتقد هستند که احساس شرم و گناه از روابط و سبک‌های دلبستگی اولیه تأثیر بسیاری می‌پذیرند. با توجه به پژوهش‌های انجام شده و نتایج بدست آمده از این تحقیق می‌توان فرض کرد که افراد دارای سبک دلبستگی ایمن (در مقایسه با افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا) به دلیلی احساس ایمنی بالاتر در رابطه و احساس صمیمیت روانی بیشتر با شریکشان، احساس گناه کمتری را نیز تجربه می‌کنند اما افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی به دلیل احساس ناراحتی حاصل از صمیمیت و ناتوانی در شکل دادن روابط نزدیک با دیگران، احساس گناه جنسی بیشتری را تجربه می‌کنند و از رابطه جنسی پرهیز می‌کنند. از طرفی دیگر افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا به دلیل آشفتگی در سبک دلبستگی و ترس دایم از طرد شدن از سوی شریک جنسی احساس گناه جنسی بالایی را گزارش می‌کنند.

بین سن و احساس گناه جنسی نیز رابطه مثبت معنی‌داری مشاهده شد. بدین معنا که با افزایش سن افراد، احساس گناه جنسی نیز افزایش می‌یابد. این یافته هم‌گام با

پژوهش دیواستو و همکاران می‌باشد. این امر احتمالاً به دلیل گرایش بیشتر افراد به مسائل مذهبی با افزایش سن می‌باشد. استارکس و هوگی نیز در دریافتند که بین سن و تعصب مذهبی رابطه‌ای مثبت وجود دارد. گرایش بیشتر به مسائل مذهبی به نوبه خود تأثیری به سزا بر افزایش احساس گناه جنسی در افراد دارد (۲۲).

در تحلیل رگرسیون نیز سن و سبک‌های دلبستگی دوسوگرا و اجتنابی قادر به پیش‌بینی احساس گناه جنسی بودند. در پژوهش هایدون و شیلکرت نیز سبک دلبستگی دوسوگرا بهترین پیش‌بینی کننده احساس گناه بود (۱۶).

البته در تمام موارد فوق باید به این نکته نیز توجه داشت که نمونه پژوهش حاضر را زنان دانشجوی تشکیل می‌دادند و نتایج در مردان متفاوت خواهد بود. به همین دلیل انتخاب نمونه به صورت زوجی و مقایسه نتایج آن‌ها با هم نتایج جالبی را در بر خواهد داشت. علاوه بر این محدوده سنی زنان گروه نمونه ۴۰-۱۸ سال بود و نتایج در سنین بالاتر متفاوت خواهد بود. به همین دلیل انتخاب زنان و مردان از گروه‌های سنی مختلف و مقایسه نتایج آن‌ها نیز پیشنهاد می‌شود. هم‌چنین باید به این نکته نیز توجه داشت که احساس گناه جنسی یک مقوله کاملاً فرهنگی می‌باشد (۶). در فرهنگ‌های شرقی، به‌خصوص در کشور ما، مسائل جنسی تابو می‌باشد و فرد بعد از ازدواج می‌تواند رابطه جنسی داشته باشد و در سالهای قبل از ازدواج مکرراً این پیام را دریافت می‌کند که رابطه جنسی و صحبت از مسائل جنسی نادرست است و گناه محسوب می‌شود. این امر منجر به شکل‌گیری و افزایش احساس گناه جنسی در افراد می‌شود.

مطالعه حاضر محدودیت‌هایی داشت که به شرح زیر می‌باشند:
- نمونه پژوهش را زنان دانشجوی تشکیل می‌دادند که به لحاظ فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی قشر خاصی هستند، بنابراین تعمیم نتایج به جامعه بزرگ‌تر، گروه‌های بالینی و مردان باید با احتیاط صورت گیرد.

- دامنه سنی نمونه پژوهش بین ۴۰-۱۸ سال بود و نتایج در گروه‌های سنی دیگر متفاوت خواهد بود.

- استفاده از ابزارهای خودسنجی و عدم امکان ارزیابی کیفی، امکان دارد که باعث افزایش سوگیری در پاسخ‌ها شده باشد.

نتیجه گیری

هرچقدر نمره آزمودنی ها در سبک دلبستگی ایمن افزایش یابد، احساس گناه جنسی افراد کاهش می یابد و بالعکس. از سوی دیگر هر چقدر نمره افراد در سبک های دلبستگی ناایمن اجتنابی و دوسوگرا افزایش یابد، احساس گناه جنسی نیز افزایش می یابد. هم چنین با افزایش سن و مدت زمان ازدواج افراد، احساس گناه جنسی نیز افزایش پیدا می کند. این یافته ها می تواند قدمی در جهت

شناخت بهتر احساس گناه جنسی در زنان بردارد و در طراحی مدل های درمانی مناسب نقشی داشته باشد.

تشکر و قدردانی

بدینوسیله از جناب آقای دکتر محمد علی بشارت به دلیل در اختیار گذاردن اطلاعات مربوط به پرسشنامه احساس گناه جنسی موثر تشکر و قدردانی می شود.

References:

- 1- Zhanda L. Personality tests. Translated by: M.A Besharat and M. Habibnejad. 1st ed. Tehran: Ayeez Pub; 2005: 137-141.
- 2- Moore N B, Davidson J K. Guilt about first intercourse: antecedent of sexual dissatisfaction among college women. *J Sex Marit Ther* 1997; 23(1): 29-46.
- 3- Long E C J, Cate R M, Fehsenfeld D A, Williams K M. A longitudinal assessment of a measure of premarital sexual conflict. *Family Relations. J Appl Fam Child Stud* 1996; 45: 302-308.
- 4- Sadock B, Sadock V. Kaplan & Sadock synopsis of psychiatry: behavioral science, clinical psychiatry. Translated by: N. Pourafkari N. 3rd ed. Tehran: Shahrab Pub; 2003: 340-345.
- 5- Mehrabi F, Dadfar F. Role of psychological factors in sexual dysfunction. *Andisheh va Raftar* 2003; 8: 4-11. [In Persian]
- 6- Woo J S, Brotto L A, Gorzalka B B. The role of sex guilt in the relationship between culture and women's sexual desire. *Arch Sex Behav* 2001; 40(2): 385-389.
- 7- Divasto P V, Pathak D, Fishbourn W. The interrelationship of sex guilt, sex behavior and age in adult sample. *Arch Sex Behav* 1981; 10(2): 199-122.
- 8- Benetti-McQuoid J, Bursik K. Individual differences in experiences of and responses to guilt and shame: examining the lenses of gender and gender role. *Sex Roles* 2005; 53(1/2): 133-142. DOI: 10.1007/s11199-005-4287-4.
- 9- Kubany E S, Watson S B. Guilt: elaboration of a multidimensional model. *Psychol Rec* 2003; 53: 51-90.
- 10- Silfver M. Gender differences in value priorities, guilt and shame among Finnish and Peruvian adolescents. *Sex Roles* 2007; 56(9-10): 601-609.
- 11- Bowlby J. Attachment and loss. Vol. 2. Separation: anxiety and anger. New York, basic books; 1973: 250-254.
- 12- Ainsworth M D S, Blehar M, Waters E, Wall S. Patterns of attachment: a psychological study of the strange situation. Hillsdale, NJ: Erlbaum; 1978: 187-191.
- 13- Hazan C, Shaver P R. Attachment as an organizational framework for research on close relationships. *Psychol Inq* 1994; 5(1): 1-22.
- 14- Leary M R, Koch E J, Hechenbleikner N R. Emotional responses to interpersonal rejection: in MR Leary (Ed.), *Interpersonal rejection*. New York: Oxford University Press; 2007: 145-166.
- 15- Lopez F G. Attachment styles, shame and guilt and collaborative problem solving orientations. *Personal relations* 1997; 4:187-199.
- 15- Haydon K C, Shilkert R. Attachment styles, emotion expressiveness and guilt among college women. Poster presented at biennial meeting of society for research in child development (SRCD), Minneapolis, MN; 2001.
- 16- Burnette J L, Davis D, Green J, Everett L, Worthington J, Bradfield E. Insecure attachment and depressive symptoms: the mediating role of rumination, empathy and forgiveness. *Persona Indiv Differ*; 2009. Doi:10.1016/j.paid.2008.10.016.

- 17- Meredith P, Onsworth T, Strong J. A review of linking adult attachment theory and chronic pain: presenting a conceptual model. Clin Psychol Rev 2008; 28: 407-429.
- 18- Delavar A. Theoretical and practical research foundations in social science and humanities. 2nd ed. Tehran. Roshd Pub; 2008: 136-138. [In Persian]
- 19- Besharat MA. Validation of adult attachment scale. [Research report]. University of Tehran; 1999. [In Persian]
- 20- Besharat MA. Psychometrics properties of Persian version of Mosher revised guilt inventory. Contem psychol 2010; [accepted manuscript]. [In Persian].
- 21- Starks S, Hughey A W. African-American women at midlife: the relationship between spirituality and life satisfaction. Couns Student Aff Fac Pub; 2002. Paper 20. Available at: http://digitalcommons.wku.edu/csa_fac_pub/20

The Relationship between Attachment Styles and Age with Sexual Guilt in Student Women.

Negar Teimourpour¹, Nahaleh Moshtagh Bidokhti² and Abbas Pourshabaz³

Abstract

Background and Aim: There is a dearth of scientific data in sexual guilt and the factors that have influence on it in academic literature. The aim of this study was to identify the relationship between attachment styles and age with sexual guilt in women.

Materials and Methods: This was a correlational study. The subjects were 192 married female students with the age range of 18-40 from three universities in Tehran, who filled out Adult Attachment Styles Index and Mosher Revised Sex-Guilt Inventory. The method of sampling was multistage clustering. Pearson Correlation Coefficient and Regression Analysis Methods were used to analyze the data.

Results: The findings showed that there were significant relationships ($p < 0.01$) between sexual guilt and secure attachment style ($r = -0.265$), insecure-ambivalent attachment style ($r = 0.241$), and insecure-avoidant style ($r = 0.257$), age ($r = 0.438$) and marital duration ($r = 0.345$). Age, insecure-ambivalent and insecure-avoidant attachment styles were able to predict 25.1 percent of the variance of sexual guilt ($p < 0.001$).

Conclusion: Women who have secure attachment style, reported lower levels of sexual guilt and women who have insecure attachment styles reported higher sexual guilt. Also age and marital duration are positively correlated with sexual guilt in women.

Keywords: Age, attachment styles, sexual guilt, women

Received: 5 November 2010

Revised: 16 April 2011

Accepted: 1 June 2011

Ofogh-e-Danesh. GMUHS Journal. 2012; Vol. 18, No. 1

1- **Corresponding Author:** PhD Student in Health Psychology, Department of Psychology and Education, University of Tehran, Tehran, Iran.

Tel: +98 21 61117483

Fax: +98 21 61117483

E-mail: n.teimourpour@gmail.com

2- Associate Professor, Department of Clinical Psychology, University of Social Welfare and Rehabilitation, Tehran, Iran

3- Associate Professor, Department of Clinical Psychology, University of Social Welfare and Rehabilitation, Tehran, Iran